عکس‌ها: امیرحسام زراقشان، ایران

[روستای «دره‌قیر» که پس از حمله و آتش‌سوزی دو طایفه به دستور دادستانی خالی از سکنه شده است]

گزارش میدانی «ایران» از ریشه‌ها و قربانیان یک درگیری طایفه‌ای - بخش نخست

رامهرمز در آتش انتقام ایلی

حمید حاجی پور

هر کسی چیزی می‌گوید؛ یکی ادعا می‌کند درگیری بین ۲ طایفه «بهمئی» از بختیاری‌های شهر باغملک خوزستان، به خاطر چراندن گوسفندان یک طایفه در زمین‌های آن یکی طایفه است و دیگری می‌گوید اختلاف و کشت و کشتار یک دلیل بیشتر ندارد؛ مزاحمت ناموسی. بعضی هم نظرشان این است که اختلاف بر سر زمین کشاورزی منجر به خون و خون‌ریزی شده.

هفته پیش خبر آمد که ۲۳ نفر از دو طایفه در روستای «پتک جلالی» به دلیل اختلافات طایفه‌ای کشته شده‌اند. ساعتی بعد خبر دیگری حاکی از این بود که چندین روستا در این درگیری به‌طور کامل تخریب شده، ولی پیگیری‌ها نشان داد حقیقت چیز دیگری است و این اخبار با چنین ابعادی، شایعه است.

برای پیگیری بیشتر ماجرا و بررسی یکی از ده‌ها اختلافات طایفه‌ای سراسر کشور وارد اهواز می‌شویم. هوای اول صبح آنقدر گرم و دم کرده است که خیس عرق می‌شویم. بگذریم از گرمای خوزستان و صبوری مردمش... توی پارکینگ فرودگاه چند راننده دورمان را می‌گیرند که آقایان کجا می‌روید و وقتی می‌گویم رامهرمز بلافاصله از مقابل‌مان پراکنده می‌شوند. انگار حرف نامربوطی زده باشیم! یکی‌شان که آفتاب سوخته‌تر از بقیه است و لهجه عربی دارد، مثل پدری دلسوز نصیحت‌مان می‌کند: «رامهرمز؟ می‌دانی رامهرمز کجاست؟ می‌دانی که به خاطر درگیری‌های طایفه‌ای امنیت ندارد؟ می‌دانی همین چند روز پیش یک نفر را کشتند و چند تا ماشین و موتور و خانه را آتش زدند؟ من که نمی‌روم، بقیه هم نمی‌روند، توصیه می‌کنم شما هم نروید. پسرم جانت را از سر راه که نیاورده ای! رامهرمز خط مقدم جنگ است، هر لحظه احتمال درگیری و تیراندازی هست، خوددانی!»

بعد از یک ربع سرگردانی، همان راننده دنبال‌مان می‌آید و سوارمان می‌کند و می‌پرسد برای چه به رامهرمز می‌رویم؟ می‌گویم خبرنگاریم و برای تهیه گزارش از درگیری‌های طایفه‌ای آمده‌ایم. او هم همان اطلاعاتی را دارد که توی شبکه‌های اجتماعی پخش شده، به اضافه اطلاعاتی که بومی‌ها از شرایط روستاها و درگیری‌ها دارند.

از اهواز تا رامهرمز ۸۰ کیلومتر است. یعنی یک ساعت و این یک ساعت را راننده یکسره از درگیری طایفه‌ای مناطق مختلف خوزستان می‌گوید. درگیری بین طایفه «محمدی» و «محمد موسایی» از ایل بختیاری‌ها یا درگیری چند سال پیش دو طایفه زرگانی و حمیدی که منجر به کشته شدن چند نفر از هر دو طایفه شد.

او میدان آزادی رامهرمز پیاده‌مان می‌کند و بلافاصله سر و ته می‌کند. گویی اتاقک راحت و خنک اتومبیل بدون هیچ ملاحظه‌ای پرتمان می‌کند وسط تنور داغ و در می‌رود. از آسمان آتش می‌بارد. پس از چند دقیقه سرگردانی در مرکز شهر، از شانس ماشین دیگری جلوی پایمان می‌ایستد و چند دقیقه‌ای هم با او همراه می‌شویم. اهل همین شهر است. از او هم درباره اختلافات اهالی روستای پتک جلالی می‌پرسم و او ما را یکراست می‌برد به خیابان امام. می‌گوید: «این ۲ طایفه ۲ سال است که باهم درگیر هستند و خیلی به هم آسیب رسانده‌اند. مزارع و پمپ آب و خانه و ماشین همدیگر را از بین برده‌اند. همین چند روز پیش یکی از طایفه محمدی، صاحب این موتورسازی را که از محمد موسایی‌هاست، جلوی مغازه‌اش، یعنی همینجایی که ایستاده‌ایم، کشت. درحالی که بیچاره اصلاً در جریان درگیری‌ها هیچ نقشی نداشت. آن شب قیامتی شد، چند نفر از محمد موسایی‌ها برای جبران خونی که از آنها ریخته شده بود، چند خانه و ماشین از طایفه محمدی‌ها را به آتش کشیدند و بسوی همدیگر شلیک کردند.

مثل اینکه چند روز قبل از این قضیه، به ۲ مزار از هر دو طرف بی‌احترامی شده بود و سنگ‌های قبرشان را شکسته بودند و دلیل این قتل آخر هم سر همین موضوع بود. ولی شنیدم که بی‌احترامی به مزارها ربطی به هیچ کدامشان نداشته و گروه دیگری که قصد شعله‌ور کردن اختلافات بین این ۲ طایفه را داشته، دست به این کار زده بودند.»

همراه با او از محل آخرین درگیری به بهشت زهرا می‌رویم. او سنگ قبرهای شکسته شده از هر ۲ طایفه را نشان می‌دهد. یکی از مزارها در ضلع جنوب شرقی قبرستان و آن یکی که متعلق به شهردار سابق رامهرمز است، در ضلع شمال غربی است که روی هر ۲ مزار پارچه سبز رنگی انداخته‌اند که بی‌احترامی‌ها بیش از این عیان نباشد.

حضور ما که از لباس و لهجه‌مان معلوم است غریبه‌ایم نظر آنهایی را که برای فاتحه خوانی آمده‌اند جلب می‌کند. مرد ۷۰ ساله‌ای که او هم از طوایف بختیاری است و با کمک عصا راه می‌رود و گرمای ۵۱ درجه بشدت کلافه‌اش کرده، بعد از اینکه متوجه می‌شود خبرنگارم شروع می‌کند به گلایه کردن: «آخر چرا باید ۲ طایفه این‌طور به جان هم بیفتند؟ فرهنگ ضعیف و سنت غلط گذشته باید اصلاح شود. دیگر آن زمان نیست که با قشون کشی و اسلحه کشی بشود حق را گرفت. باید قانون آنقدر محکم و قاطع باشد که کسی جرأت اسلحه کشی نداشته باشد. بنویسید دولت باید با آنهایی که فتنه‌گری و شرارت می‌کنند برخورد کند. من ۲ پسر دارم که بیکارند، چرا؟ به خاطر اینکه کسی به ما کار نمی‌دهد، چون اسم ما بد در رفته.»

مقصد بعدی فرمانداری است. آنجا هم حرف از درگیری این ۲ طایفه است. کارمندان و ارباب رجوع از اینکه تا چه زمانی این اختلافات باقی خواهد ماند، حرف می‌زنند. سراغ فرماندار را می‌گیرم ولی او درگیر حل مشکل دیگری است. یکی از مسئولان ارشد فرمانداری که بر اساس ملاحظات امنیتی می‌خواهد اسمی از او در این گزارش برده نشود، پاسخگوی سؤالاتم می‌شود، او همه ماجرا را ریز به ریز می‌داند: «اول مصاحبه باید نکته‌ای را بگویم که خیلی مهم است؛ قانون وقتی ضعیف باشد، مردم چنین مناطقی بسوی طایفه گری می‌روند و جامعه به شکل موزاییکی درمی‌آید و شکننده می‌شود مثل همین جریان که ۲ سال است به بزرگترین مشکل منطقه تبدیل شده. اما درباره درگیری‌های اخیر باید بگویم که از چند سال پیش، بین طایفه محمدی و محمد موسایی از ایل بهمئی در روستای پتک جلالی از توابع باغملک که باهم نسبت خویشاوندی هم دارند، اختلاف به وجود آمد و آنقدر ریشه دواند که باعث چنین حوادثی شد. خردادماه سال ۹۴ بروز برخی اختلافات از جمله مزاحمت تلفنی، سرقت احشام و اعتراض به آبیاری زمین، منجر به نخستین درگیری شد و در روستا بین این ۲ طایفه سنگ‌پرانی شد و ده‌ها نفر بشدت مجروح شدند. این را هم باید بگویم که با توجه به مهارت آنها در سنگ اندازی، آثار جراحات و صدمات این درگیری بسیار شدید بود. متأسفانه ۲ روز بعد از این درگیری یکی از محمد موسایی‌ها از زخم سنگ جان باخت و با قشون کشی و اسلحه کشی بشود حق را گرفت. باید قانون آنقدر محکم و قاطع باشد که کسی جرأت اسلحه‌کشی نداشته باشد. بنویسید دولت باید با آنهایی که فتنه‌گری و شرارت می‌کنند برخورد کند. من ۲ پسر دارم که بیکارند، چرا؟ به خاطر اینکه کسی به ما کار نمی‌دهد، چون اسم ما بد در رفته.»

مقصد بعدی فرمانداری است. آنجا هم حرف از درگیری این ۲ طایفه است. کارمندان و ارباب رجوع از اینکه تا چه زمانی این اختلافات باقی خواهد ماند، حرف می‌زنند. سراغ فرماندار را می‌گیرم ولی او درگیر حل مشکل دیگری است. یکی از مسئولان ارشد فرمانداری که بر اساس ملاحظات امنیتی می‌خواهد اسمی از او در این گزارش برده نشود، پاسخگوی سؤالاتم می‌شود، او همه ماجرا را ریز به ریز می‌داند: «اول مصاحبه باید نکته‌ای را بگویم که خیلی مهم است؛ قانون وقتی ضعیف باشد، مردم چنین مناطقی بسوی طایفه گری می‌روند و جامعه به شکل موزاییکی درمی‌آید و شکننده می‌شود مثل همین جریان که ۲ سال است به بزرگترین مشکل منطقه تبدیل شده. اما درباره درگیری‌های اخیر باید بگویم که از چند سال پیش، بین طایفه محمدی و محمد موسایی از ایل بهمئی در روستای پتک جلالی از توابع باغملک که باهم نسبت خویشاوندی هم دارند، اختلاف به وجود آمد و آنقدر ریشه دواند که باعث چنین حوادثی شد. خردادماه سال ۹۴ بروز برخی اختلافات از جمله مزاحمت تلفنی، سرقت احشام و اعتراض به آبیاری زمین، منجر به نخستین درگیری شد و در روستا بین این ۲ طایفه سنگ‌پرانی شد و ده‌ها نفر بشدت مجروح شدند. این را هم باید بگویم که با توجه به مهارت آنها در سنگ اندازی، آثار جراحات و صدمات این درگیری بسیار شدید بود. متأسفانه ۲ روز بعد از این

[خانه‌ای در روستای «پتک جلالی» که توسط طایفه مقابل آتش گرفته است]

ماجرا، یکی از محمد موسایی‌ها به یکی از محمدی‌ها شلیک می‌کند و او را بشدت زخمی می‌کند. با توجه به اینکه می‌دانستیم این حادثه از سوی طایفه دیگر، بی‌جواب نخواهد ماند هیأت ۱۲۰نفره صلحی با حضور فرماندار رامهرمز و باغملک و رؤسای دادگستری و ائمه جمعه هر دو شهر و ریش سفیدان طایفه دیگر، تشکیل شد و بین آنها صلح برقرار کردیم و قرار شد هر دو طرف، مدارک پزشکی و احکام قضایی خود را برای دریافت دیه بیاورد و هر طرف دیه طرف مقابل را پرداخت کند.

عملاً ماجرا ختم به خیر شد ولی یکی از محمد موسایی‌ها از محمدی‌ها شکایت می‌کند و دستگاه قضایی برای یکی از آنها حکم جلب صادر می‌کند و برای چندمین بار آتش اختلاف شعله ور می‌شود و متأسفانه چند نفر از محمدی‌ها به مقابل خانه محمدموسایی‌ها می‌روند و آنها را به رگبار می‌بندند. نتیجه اینکه ۸ زن و مرد را به قتل می‌رسانند و در ادامه درگیری، یکی از خودشان هم کشته می‌شود.

سنتی بین ایلات هست که هر طایفه‌ای که خون می‌ریزد، باید خانه و زندگیش را بار کند و برای همیشه از آنجا برود. بعد از این قضیه بسیار دلخراش و ناراحت کننده، هیأت ۳۰۰ نفره متشکل از آیت‌الله موسوی جزایری نماینده ولی فقیه خوزستان، آیت‌الله ملک‌زاده نماینده ولی فقیه در کهگیلویه و بویراحمد، بزرگان ایل بختیاری و بهمئی، شیوخ عرب زبان و بسیاری از سران استان، وارد عمل شد ولی بزرگان طایفه محمدموسایی عنوان کردند شرایط روحی طایفه‌شان مساعد نیست.

چندی پیش نزاع دیگری بین این ۲طایفه در روستای «سرخار» رخ می‌دهد که یکی دیگر از محمدموسایی‌ها به قتل می‌رسد و طایفه مقتول برای جبران، در شهر «لیکک» یا همان «بهمئی» به اشتباه به جوانی شلیک می‌کنند و او را می‌کشند که معلوم می‌شود مقتول جزو طایفه شیخی‌هاست که با پادرمیانی بزرگان ایل، این طایفه دست به انتقامگیری نمی‌زنند.»

این مسئول آگاه همه این اتفاقات را از حفظ است و ساعت و تاریخ درگیری‌ها را هم دقیق می‌داند. تا اینجای مصاحبه ۱۰ نفر را کشته‌اند و ده‌ها خانه و زمین کشاورزی از سوی هر دو طرف به آتش کشیده شده و عاملان قتل عام هم دستگیر شده‌اند و برای برخی از حاضران در درگیری نیز احکامی همچون زندان و تبعید به شهرستان «قروه» در کردستان صادر شده است.

این مسئول ادامه می‌دهد: «در ادامه ۲نفر از محمد موسایی‌ها مقابل دادسرای رامهرمز بسوی چند نفر از محمدی‌ها شلیک می‌کنند و آنها را به قتل می‌رسانند و یکی از خودشان هم از سوی پلیس کشته می‌شود. آخرین قتل هم که مربوط به چند روز پیش است که مردجوانی از طایفه محمد موسایی به قتل می‌رسد و در مجموع تا این لحظه ۱۰محمد موسایی از سوی محمدی‌ها به قتل رسیده است، ۵محمدی از سوی طایفه مقابل، یک محمد موسایی در درگیری با پلیس و یک نفر هم از طایفه شیخی که جمعاً می‌شود ۱۷نفر. براساس مدارک پزشکی قانونی نزدیک به ۱۰۰ نفر نیز از ناحیه سر و صورت و دست و پا بشدت مجروح و عده‌ای نیز نقص عضو شده‌اند. البته باید گفت در واقع ۴۰۰نفر در جریان این درگیری‌ها زخمی شده‌اند که بسیاری از آنها به پزشکی قانونی مراجعه نکرده‌اند.

اما مشکل فقط خون و خون‌ریزی نیست؛ کینه ورزی و انتقامجویی هر ۲طایفه و خودسری برخی از جوانان که به حرف بزرگان خود گوش نمی‌دهند، اتفاقات دیگری را رقم می‌زند؛ به آتش کشیدن خانه‌های یکدیگر، سرقت احشام و آسیب زدن به آنها، آتش زدن زمین‌های کشاورزی، شلیک به ترانس‌های برق، از بین بردن تیرهای چراغ برق، از بین بردن چاه‌های آب، بستن جاده و حمله به همدیگر از جمله مشکلاتی است که در نهایت موجب شد که با دستور دادستان، طایفه‌های محمدموسایی و محمدی از روستاهای پتک‌جلالی، کل جهان، دره قیر و سرخار مجبور به کوچ شوند. این دستور برای حفظ جان خودشان و بازگشت آرامش خودشان است و برای نظارت به حسن اجرای آن، صدها پلیس و یگان ویژه در این مناطق حضور دارند.

ما برای ایجاد صلح و آرامش و خون‌بس، هیأت‌های صلح زیادی تشکیل دادیم وچیزی به موفقیت نمانده بود که گروه سومی با فتنه گری و تخریب چند سنگ مزار و شایعه پراکنی، این دوطایفه را به جان هم انداخت.»

درگیری این دو طایفه فقط محدود به گزارش‌های این مسئول نمی‌شود چرا که برخی درگیری‌های دیگری هم بین آنها رخ داده که بیان آن از حوصله خواننده خارج است ولی نکته‌ای که عجیب به نظر می‌رسد قطع کردن برق از سوی هر دو طایفه است که باعث رنجش اهالی روستاهای دیگر از جمله روستای «پتک بیگدلی» و بخش «ابوالفارس» شده یا اصرار بر آتش زدن خانه‌های خالی طرفین و گاه درگیری با نیروی انتظامی است.

پرسش اهالی رامهرمز و همه کسانی که با آنها گفت‌وگو می‌کنیم از مسئولان این است که چرا در اختیار افراد هر دو طایفه تفنگ هست و چرا قانون بشدت با آنها برخورد نمی‌کند؟ یکی از ایلاتی‌ها می‌گوید وقتی یکی از طایفه‌ای کشته می‌شود، طایفه مقتول می‌تواند تا ۴۸ ساعت به خانه و اموال طایفه قاتل آسیب برساند!

در شماره بعدی مصاحبه با بزرگان این دوطایفه، بازدید میدانی از روستاهای آسیب دیده، بازداشت‌مان از سوی پلیس و تیراندازی افراد ناشناس بسوی خودروی‌مان را خواهید خواند.

ادامه دارد

نیم نگاه

■ یکی از اهالی رامهرمز: دیگر آن زمان نیست که با قشون کشی و اسلحه‌کشی بشود حق را گرفت. باید قانون آنقدر محکم و قاطع باشد که کسی جرأت اسلحه کشی نداشته باشد. بنویسید دولت باید با آنهایی که فتنه گری و شرارت می‌کنند برخورد کند

■ قانون وقتی ضعیف باشد، مردم بسوی طایفه گری می‌روند و جامعه به شکل موزاییکی درمی‌آید و شکننده می‌شود مثل همین جریان که ۲ سال است بزرگترین مشکل منطقه تبدیل شده است

■ در مجموع تا این لحظه ۱۰ «محمد موسایی» از سوی «محمدی»ها به قتل رسیده است، ۵محمدی از سوی طایفه مقابل، یک محمدموسایی در درگیری با پلیس و یک نفر هم از طایفه شیخی که جمعاً می‌شود ۱۷ نفر

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۶۵۲۴

جدول عادی

افقی:
۱-عصاره گوجه فرنگی- بزرگ‌ترین فیزیکدان قرن بیستم
۲-ماه سریالی- بسیار روان- جو دوسر
۳-کاشف الکل- چهار دیواری دارای سقف- نوعی شیرینی
۴-می‌گذارند تا در بند کشند- شامه نواز- هدف- دمیدن با دهان
۵-نشانه اسم مصدر- شهرهای ساحلی- بناکننده
۶-بارز- تاریکی- پرحرفی
۷-جنس مدال دومی- این شهر یکی از مناطق کوهستانی و سرسبز استان فارس است- ثبات
۸-نوعی حج- عافیت و تندرستی- نوعی طلاق
۹-پول خرد هند- آن سوی- با نمک
۱۰-آوای درشت- یک ششم ملک و زمین- ناشایست، نادرست
۱۱-برادری- فیلمی به کارگردانی احسان عبدی‌پور (روی پرده سینما)- باغ‌وحش بیگانه
۱۲-ماج- برادر سلم و تور- پنهان کردن- یک حرف و سه حرف
۱۳-حرف مجهول ریاضی- کاغذ سفت و ضخیم- درمان
۱۴-پاکدامنی- اهرم- صفت بهشت
۱۵-چیز کم بهتر از هیچ چیز است- کلام چوپان

عمودی:
۱-محرم اسرار- دستگاه خودپرداز
۲-جویای شغل- قطره‌های ریز باران- گذرنامه
۳-باغ شیراز- بزرگ‌ترین سوره- یک نوع لیف ظرفشویی
۴-بلی- کیسه زر- دختر- صفت سرو
۵-بناها- جایگاه، پناهگاه- نشانه بیماری
۶-کافی- واژه‌ای برای بیان بیزاری از چیزی- یک صدم فرانک
۷-تظاهر به نیکی- گفت‌وگوهای یک فیلم- حریفان
۸-قوم وحشی- نیم صدای کلاغ- روا داشتن
۹-دردها- تاریک- وسیله درودگری
۱۰-آمادگی جهت قبول امری- تمدنی خاک شده- ام‌الخبائث
۱۱-دهان کجی- سخت‌ترین حالت هر ماده- آیین‌ها
۱۲-گیج عامیانه- تذکره- ادعای الکی- شیخ‌نشین امارات
۱۳-جبران کردن- واجب- حرفه
۱۴-اشاره رمزگونه به شخص ثالث- بی‌حیا- کنج و گوشه
۱۵-قهرمان جام حذفی فوتبال کشورمان در فصل اخیر- دریای متلاطم

جدول ویژه

افقی:
۱-خاشاک- اثری علمی عمومی نوشته ریچارد داوکینز
۲-تکاور- گیاه ضد روماتیسم- آمد و شد
۳-مدیریت- قفل قدیمی- چاه‌ها
۴-چهره را سرخ می‌کند- سبک جامعه و آرایش- اسیر نیست- پخش و پلا
۵-خادم قوم- فهمیدن- تربیت کننده
۶-بیماری اختلال کلیه- پاییز- مخفف که او
۷-قله- دهکده- محدب
۸-عارضه پوستی- کنایه از لاغر و ضعیف- کینه معروف
۹-گندم آسیاب شده- گواهی به درستی چیزی- پرده در
۱۰-عدد منفی- رنگ بدی- نور خورشید
۱۱-تفسیرکننده- روشنایی ماه- آبکی
۱۲-رساندن کالایی به فروشندگان یا مصرف کنندگان در جاهای گوناگون- بریان و اشک‌ریزان بر آتش- کنده کاری- شماره حساب بانکی ایران
۱۳-بلندمرتبه- جوانمرد- کمک کننده
۱۴-سخن خنده‌دار- ریسمان- صفت دانش‌آموز درسخوان
۱۵-پدید آورنده معنا درمانی- زبانی در برنامه‌نویسی

عمودی:
۱- اثری دیدنی در بیرجند- ورزشی گروهی با توپ
۲-نشانگان- صورت- خطاکار
۳-مجموعه گلبرگ‌ها- محکم و استوار- نوعی خوراک گوشت
۴-مرواریدها- ساختمان فرو ریخته- پسوند ساینده- کم و کاست
۵-غمخوار- ستون دروازه- صدای تمسخر
۶-سرکه- معادل شش دانگ- گفت‌وگوی پرسش و پاسخی
۷-رخنه- شرح کتاب اوستا- نام سابق بهشهر
۸-آسمان ها- نباید جواب آن را با بدی داد- کارگزار
۹-صندوق آهنی که محتوای آن در مقابل حریق مصونیت دارد- معبد درویشان- از اناجیل
۱۰-دوران قبل از ازدواج- پیروزی- نفس خسته
۱۱-زمین آذری- زنگوله- پرده دری و بی‌شرمی
۱۲-صدا- ریشه- سرعت- ابتدا نداشتن
۱۳-گاوچران- اثر نویسنده- جرقه آتش
۱۴-دریاچه قزاقستان- جوش چرکی- ماده رنگی هشداردهنده
۱۵-عصب‌شناسی- چهارمین دانشگاه قدیمی انگلیسی زبان دنیا

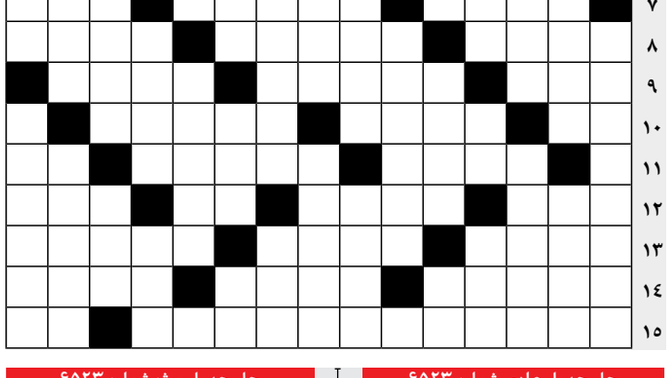

حل جدول عادی شماره ۶۵۲۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	چ	ر	و	ب	ج	ت	ا	ب	ل	ی	ی	ی	ق	ش	ن
۲	غ	ب	ا	ر	م	ن	و	ن	ا	ا	ع	م	ا	ق	
۳	و	ا	ر	ن	ا	ل	ک	ل	ک	ب	ا	ه	ر		
۴	ر	غ	د	■	و	ت	و	■	س	ن	ن	و	ه		
۵	ب	ی	■	ک	ا	م	■	ی	ذ	ک	ی	■	ا		
۶	غ	■	ن	ا	ز	ا	ر	ب	■	ز	ی	س	■		
۷	و	ر	ا	م	■	ر	س	و	ب	■	ر	ی	ه		
۸	ر	ا	ش	■	ر	ض	ا	ن	ا	ج	ی	■	و	ل	ی
۹	ج	و	ج	و	■	د	م	ن	ه	■	ک	ا	ه		
۱۰	ل	ه	■	م	ن	ت	ه	ا	■	ش	ی	ل	■		ک
۱۱	ی	■	ک	ل	ا	ه	■	ن	ن	ا	س	■	و		
۱۲	ق	ف	ل	■	س	م	ج	ر	■	ی	ذ	ی	ه		
۱۳	و	ر	س	ک	■	ت	و	س	ن	■	و	ل	ا	ت	ا
۱۴	ا	ا	ی	ا	ن	ز	■	ز	ا	ن	■	ا	ل	ا	ن
۱۵	ن	ا	م	■	ر	س	ن	ا	ن	■	ا	م	ا	ن	ا

حل جدول ویژه شماره ۶۵۲۳
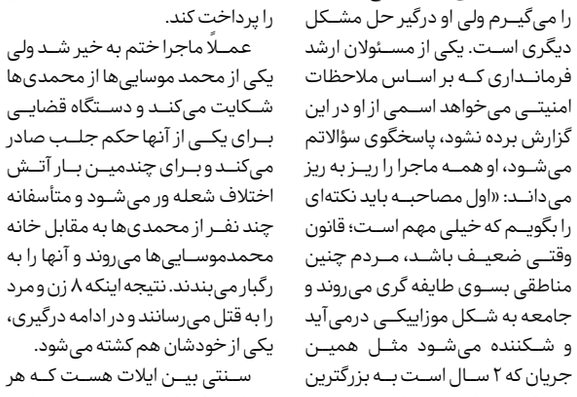
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ا	چ	ا	ی	ا	■	ک	ل	ا	ش	ی	ن	ک	ف
۲	ا	ی	و	ب	■	ن	ر	س	و	■	ج	ر	ا	چ	ی
۳	ر	و	ز	ن	ه	■	ت	ل	ا	ش	■	ن	ک	و	ن
۴	ت	ر	ش	■	م	ا	ب	■	ش	ا	م	■	ا	ر	ی
۵	ی	ت	■	خ	ا	ر	ه	■	ی	ت	ی	م	■	ک	
۶	ز	■	ن	ی	م	ا	■	س	ن	ذ	ر	م	■	س	
۷	ا	ب	ت	ر	■	ا	ت	ا	■	د	ن	ی	ا	ا	
۸	ن	ن	ر	■	ل	ی	م	و	ن	ا	د	■	ا	ل	ب
۹	ا	س	ک	ی	■	ا	د	ا	م	■	ک	و	ن	ش	ا
۱۰	ر	ب	ن	ذ	ر	ی	■	ا	د	ل	ر	■	ر		
۱۱	ا	م	ک	ر	ا	■	و	ا	ذ	ر	ا	■	ا		
۱۲	س	ب	و	■	ا	ب	ا	■	ن	ن	ا	س	■		
۱۳	ت	ا	ی	م	■	ی	و	ا	ب	■	ل	ا	ر		
۱۴	گ	ب	ر	گ	ه	■	ن	ز	ی	ه	■	خ	ر	چ	ی
۱۵	و	ا	گ	ا	د	و	■	گ	و	ف	ا	ن	ت	م	و